

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښت تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه تیموری

المان - ۱۰ می ۲۰۱۱

مخمس بر غزل "ابو طالب کلیم همدانی"، ملک الشعراى "شاه جهان"

عمر بلا کشیده ندانم چه سان گذشت
سر خورده از برم به مرور زمان گذشت

افسوس می‌رود که بخواب گران گذشت
پیری رسید و مستی طبع جوان گذشت

ضعف تن از تحمل رطل گران گذشت

فخر جهان به رفتن ماه و ستاره نیست
در امتحان راکت و بمب و طیاره نیست

این بحر پرتلاطم ما را کناره نیست
وضع زمانه قابل دیدن دوباره نیست

رو پس نکرد هر که ازین خاکدان گذشت

ای مقتدای خلق به این حسن آشکار
از پرتو جمال تو آئینه شرمسار

مثل ترا ندیده دگر چشم روزگار
از دستبرد حسن تو بهر لشکر بهار

یک نیزه خون گل ز سر ارغوان گذشت

دنیای پیر با تو نسازد مخور غمی
شاید که غمگسار جـوانت رسد دمی

اسباب عشرت نشود گـر فـراهمی
طبعی بهم رسان که بسازی به عالمی

یا همتی که از سر عالم توان گذشت

هر پخته ای به عشق پی کار خام نیست
هر می که کهنه گشت بسودای جام نیست

عزت به نزد مردم دانا به نام نیست
در کیش ما تجـرد عنقا تمام نیست

در فکر نام ماند اگر از نشان گذشت

گر یک هزار غم ز جهان آیدت به پیش
تیمور بدار چهره خندان به خود همیش

رنجه مدار خاطر آزرده پریش
بدنـامی حیات دو روزی نبود بیش

آن هم کلیم با تو بگویم چه سان گذشت

دل در کفم گـرفته به سوئی بدم روان
آن خواب و آن خیال ز سر رفته این زمان

عمر دو روزه را نتوان یافت جاودان
یک روز صرف بستن دل شد به این و آن

روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت

تذکر:

دوستان گرامی در پورتال دوست داشتنی "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان!"
مخمس بر غزل "کلیم همدانی" از این جانب "تیمورشاه تیموری"ست که فراموش کردم
نام خود را بنویسم، چون تازه تیپ کردن در کمپیوتر را مشق میکنم. امیدوارم، معذرتم
را بپذیرید.